

آینده‌نگاری تحولات اسکان غیررسمی در پهنه‌ی

جنوبی حریم کلان‌شهر تهران

عصمت خان محمدی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رحیم سرور^۱

استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علیرضا استعلاجی

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۵

چکیده

مهاجرت و به تبع آن اسکان غیررسمی نیز امری اجتناب‌ناپذیر و بخشی از مراحل توسعه یک شهر پویاست و تنها می‌توان به دنبال راه‌حلهایی جهت کم کردن آثار منفی و مخرب آن بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرهای درگیر آن بود. در ایران هم از حدود پنجاه سال اخیر، اسکان غیررسمی همواره یکی از چالش‌های اصلی در مسیر رشد و توسعه پایدار آن بوده است، با توجه به اینکه اسکان غیررسمی، خود معلول گسترش شکاف طبقاتی، رشد بی‌رویه شهرنشینی و مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ است از جهات متعددی موجب شیوع بزهکاری، انحرافات اجتماعی و عوارض ناشی از آن می‌شود. در این راستا می‌توان با استفاده از رویکرد تحلیل ساختاری در آینده‌پژوهی مدیریت شهری گام‌هایی را جهت توسعه و ارتقا کیفیت زندگی در این مناطق برداشت. این پژوهش، ابتدا در یک تحلیل نظری با مطالعه منابع کتابخانه‌ای داخلی و خارجی، تمام عوامل مؤثر در ایجاد و رشد اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی حریم کلان‌شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت و پس از تهیه فهرستی از این عوامل، در جلسات مصاحبه با صاحب نظران، یافته‌های پژوهش تکمیل شده و مبتنی بر آن‌ها پرسشنامه تدوین شده و فرآیند نظرسنجی آغاز می‌شود. در نهایت به کمک نرم افزار (MicMac) و با روش تحلیل اثرات متقابل، داده‌ها تحلیل شدند. بر اساس یافته‌های پژوهش، رشد اقتصاد ملی و فقرزدایی، مهم‌ترین علت پیشران و بیکاری و مدیریت یکپارچه شهری و... علل سیاستی در اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی کلان‌شهر تهران بوده‌اند.

واژگان کلیدی: آینده‌نگاری، مدیریت شهری، اسکان غیررسمی، پهنه جنوبی حریم کلان‌شهر تهران

مقدمه

شهرنشینی نوعی شیوه زندگی است که به همراه خود پدیده‌های مختلفی را برای زندگی بشر ایجاد کرده است به عبارتی دیگر نتایج و پیامدهای شهرنشینی ابعاد مثبت و منفی مختلفی داشته است (Sheybani Moghadam et al, 2019: 204). شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه که مهاجرت روستایی-شهری و تمرکز خدمات در شهرهای بزرگ هیچ انتخابی برای مهاجران فقیر نگذاشته جز اینکه سرپناه‌های غیررسمی شخصی‌شان را بسازند (Ebadi et al, 2014: 20). این امر در کشور ایران نیز حاکم است به طوری که به موازات رشد شهرنشینی در کشور در دهه‌های اخیر، سکونتگاه‌های نامتعارف و خودانگیخته‌ای درون یا مجاور شهرها به سرعت ایجاد شده و رشد یافته است (Lahmian, 2017: 126)؛ و پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به همراه داشته است. باید اذعان داشت بخشی از شهرنشینان کشور از مسکن نامناسب، کمبود خدمات و زیرساخت‌های شهری و فقدان محیط اجتماعی سالم رنج می‌برند و با فقر نسبی و بیکاری گسترده مواجه هستند (Mohammadi and Shams, 2017: 110). سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل سرعت پیدایش و نبود نظارت دستگاه‌های اجرایی از استانداردهای قابل قبول زیستی بی‌بهره بوده و عمدتاً فاقد نظام شکل یافته و مطلوب سکونتی هستند که در پاسخگویی به نیاز فقرا به وجود می‌آیند (Heydariyan et al, 2017: 246). بنابر مطالب فوق می‌توان که اسکان غیررسمی (حاشیه‌نشینی) پدیده‌ای است اجتماعی و به‌عنوان معضل اجتماعی مورد توجه جامعه شناسان شهری و سایر علوم مربوط به شهرسازی قرار گرفته است. توجه به این مؤلفه و ارائه سیاست‌های یکی از مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری محسوب می‌گردد. (Tavakolinia et al., 2012) و حتی آن را به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی شهری نام می‌برند. معضل حاشیه‌نشینی یا سکونتگاه‌های غیر رسمی در بخش عظیمی از کشورهای جهان، به‌ویژه در کلان‌شهرهای قاره آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی، گریبان گیر مدیریت شهری می‌باشد. همچنین این معضل مهم جهانی گریبان گیر کشور نیز شده است به طوری آهنگ حاشیه‌نشینی در کشور رو به افزایش است. در سال‌های گذشته تعداد حاشیه‌نشین‌ها را حدود ۱۱ میلیون برآورد می‌کردند ولی این آمار در آخرین وضعیت بسیار چشمگیر شده است. در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۶ وزارت راه و شهرسازی ایران تعداد حاشیه‌نشینان در ایران را ۱۹ میلیون نفر اعلام کرد؛ یعنی از هر چهار نفر ایرانی یک نفر در سکونت‌گاه غیررسمی سکونت دارند و حاشیه‌نشین هستند. همچنین در تاریخ ۱۸ فروردین سال ۹۶ طبق گفته رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس حدوداً ۳۵ درصد از جمعیت کشور حاشیه‌نشین هستند یا در بافت‌های فرسوده و تاریخی زندگی می‌کنند. حدود ۱۱ استان از جمله خراسان رضوی، تهران، لرستان، کرمان، سیستان و بلوچستان، خوزستان و آذربایجان غربی بیشتر درگیر حاشیه‌نشینی هستند. آمار و ارقام ذکر شده نشان می‌دهد که کشور با یک بحران اجتماعی روبرو است که می‌بایست مسئولان بدان پردازند.

اسکان غیررسمی پهنه‌های جنوبی حریم کلان شهر تهران همواره تحت تاثیر شتاب‌زدگی شهری برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مقطعی بوده که این موضوع اندک زمانی توانسته معضلات را التیام ببخشد (Ashnaee, 2016)؛ اما این معضل همچنان رو به توسعه و گسترش است. بنابراین آنچه نیاز است، تجدیدنظر در رویکردها و به‌کارگیری

برنامه‌ریزی دقیق‌تر همچون برنامه‌ریزی با رویکرد آینده‌نگاری و حرکت در راستای پذیرش پیچیدگی، تکثر و برنامه‌ریزی بر پایه شناخت جامع همه عناصر و عوامل است. در نتیجه برنامه‌ریزی در حوزه اسکان غیررسمی و شناخت وضعیت آینده پیش رو این سکونتگاه‌ها و تدوین راهبردها برای رسیدن به آینده مطلوب در این مناطق درگرو سازوکارهای مناسب برنامه‌ریزی با تکیه بر دیدگاه نوین آن قرار دارد. بنابراین با توجه به ابزارها و روش‌های آینده‌نگاری، رویکردی نو و متنوع برای برنامه‌ریزی و برنامه‌های توسعه شهری ارائه می‌دهند. باوجوداینکه آینده‌نگاری در دو دهه اخیر مورد توجه جدی سیاست‌گزاران قرار گرفته و در سطوح مختلف سطح ملی و محلی بررسی شده است و تأکید زیادی بر آینده‌نگاری در مقیاس شهری وجود دارد. اما در کشور ما به آینده توسعه شهرها به طور عام و آینده اسکان غیررسمی به طور خاص توجه بسیار کمی شده و تجارب محدودی در این زمینه وجود دارد. در این پژوهش روش تحقیق براساس هدف کاربردی و برحسب ماهیت تحقیق تحلیلی - اکتشافی می‌باشد. بنابراین برای جمع‌آوری و شناسایی عوامل موثر از روش تحلیل مضمون استفاده شده و لذا این پژوهش سعی دارد در قالب یک کار پژوهشی گسترده ابعاد موضوع تحلیل ساختاری در آینده‌پژوهشی را در تحولات اسکان غیررسمی در حریم جنوبی کلان‌شهر تهران بسنجد و در نهایت براساس داده‌های وضع موجود و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و مدیران به صورت عملیاتی و اجرایی ارائه دهد. میزان اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها بر یکدیگر توسط کارشناسان، مشخص می‌گردد. آن‌گاه به کمک نرم افزار مربوطه (MicMac)، عوامل پیشران استخراج می‌گردند. این عوامل دارای اثرگذاری بالا و اثرپذیری کم می‌باشند که در حقیقت فضای مسئله را رقم می‌زنند. خروجی تحلیل اثرات متقابل مشتمل بر عوامل سیاستی، مخاطره‌آمیز، تأثیرپذیر و عوامل غیر مؤثر نیز می‌باشد که در بخش تجزیه و تحلیل به تفصیل تشریح شده است. در پایان با توجه به خروجی نرم افزار، یافته‌های تحقیق موردبررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و نتیجه‌گیری صورت خواهد گرفت. مدل مفهومی نهایی، امکان یافتن پیشران‌ها و شاخص‌ها را در زمینه‌های مختلف فراهم می‌آورد.

مدل زیر از جلسات مشاوره و هم‌اندیشی جهت مطالعات کتابخانه‌ای و رجوع به منابع آغاز شده است و پس از آن وارد مرحله مطالعه منابع و مقالات می‌گردد و در فاز اول به کمک مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران این حوزه تکمیل شد. با توجه به یافته‌های فاز اول، طراحی پرسشنامه صورت گرفت و فاز دوم که نظرسنجی از کارشناسان است، شروع می‌شود. طراحی پرسشنامه نیز مبتنی بر رویکرد کل‌نگر و با عنایت به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، ساختاری و زیست محیطی انجام می‌شود در نتیجه، پرسش‌ها معطوف به این وجوه تنظیم می‌گردند. در فاز بعدی بر مبنای نظر کارشناسان از طریق جلسات هم‌فکری و مصاحبه، عوامل احصاء شده، دسته‌بندی و اولویت‌بندی خواهد شد. با آغاز فرآیند تشریح شده و مطالعه منابع علمی، عوامل مرتبط با تحولات اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی حریم تهران استخراج گردید و در جلسات مصاحبه با صاحب نظران یافته‌های پژوهش، تکمیل و دقیق شد و مبتنی بر آن‌ها پرسشنامه نظرسنجی تدوین شد و فرآیند نظرسنجی آغاز گشت. به منظور نظرسنجی جهت جامعه آماری، از ۲۰ نفر، ۲۰ پرسشنامه پیشنهاد شده است. لذا به تعداد مذکور پرسشنامه توزیع شد و نظر کارشناسان و صاحب نظران

اخذ شد. اسکان غیررسمی پهنه‌های جنوبی حریم کلان شهر تهران همواره تحت تاثیر برنامه‌ریزی و سیاست گذاریهای مقطعی بوده که این موضوع اندک زمانی توانسته معضلات را التیام ببخشد. اما این معضل همچنان رو به توسعه و گسترش است.

بنابراین آنچه نیاز است، تجدید نظر در رویکردها و به‌کارگیری برنامه‌ریزی دقیق‌تر همچون برنامه‌ریزی با رویکرد آینده‌نگاری و حرکت در راستای پذیرش پیچیدگی، تکثر و برنامه‌ریزی بر پایه شناخت جامع همه عناصر و عوامل است. در نتیجه برنامه‌ریزی در حوزه اسکان غیررسمی و شناخت وضعیت آینده پیش رو این سکونتگاهها و تدوین راهبردها برای رسیدن به آینده مطلوب در این مناطق درگرو سازوکارهای مناسب برنامه‌ریزی با تکیه بر دیدگاه نوین آن قرار دارد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به آینده‌پژوهی تحولات اسکان غیررسمی در پهنه‌ی جنوبی حریم کلان‌شهر تهران می‌پردازد تا بدین سان بتوانند رهنمودهایی برای مدیریت این بحران اجتماعی ایجاد نماید.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اسکان غیررسمی شهری یک چالش عمده برای حکمرانی در سراسر جهان است. در سال ۲۰۰۱ برآورد شد که حدود ۳۲ درصد از جمعیت شهری جهان در سکونتگاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کردند و حدود ۴۳ درصد جمعیت شهری در مناطق در حال توسعه در شهرک‌های غیر رسمی زندگی می‌کردند (UN-Habitat, 2003). چالش ناشی از اسکان غیررسمی این است که آن‌ها پیچیده هستند، تنوع گسترده‌ای را در داخل و بین کشورها نشان می‌دهند و با سرعت بسیار تغییر می‌کنند (Kovacic and Giampietro, 2017:377). این چالش با تکثیر کارهای علمی بسیار پیچیده در زمینه مفهوم‌سازی اسکان غیررسمی روبرو شده است.

ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیر رسمی

اسکان غیررسمی پدیده‌ی رو به رشد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است و تلاش برای ترویج استانداردهای زندگی در این مناطق یک چالش اساسی برای برنامه‌ریزان شهری بسیاری از شهرهای قرن بیست و یکم است (Barry and Ruther, 2005). این سکونتگاه‌ها به مناطق شهری می‌پردازند که دارای مجوز قانونی نیستند (Kuffer et al, 2016) و اغلب با مسکن متراکم و شرایط زندگی غیر استاندارد شناخته می‌شوند (Gevaert et al, 2017:225). با توجه به تعاریفی که تاکنون از اسکان غیررسمی ارائه شده است و تجربیاتی که از مشاهده این مقوله به دست آمده است می‌توان ویژگی‌های زیر را که در بیشتر مناطق حاشیه‌نشین وجود دارد برشمرد:

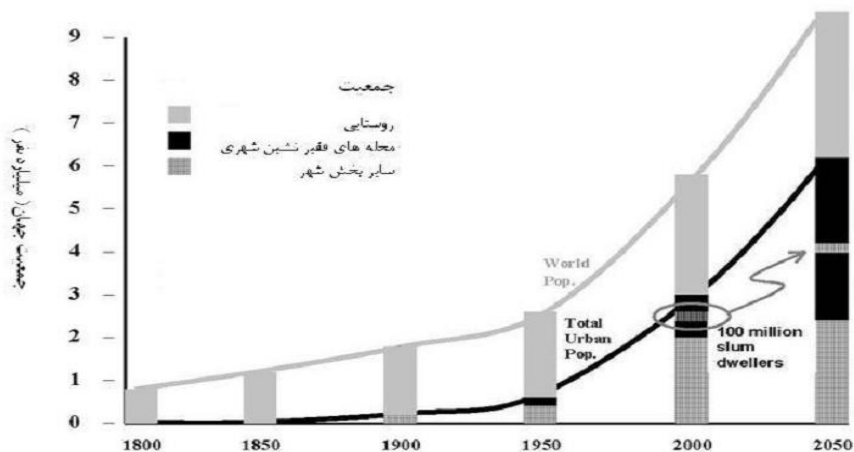
- ۱- معمولاً در زمین‌های خالی شهری، لبه‌های شهری، حواشی شهرها و در خارج از محدوده قانونی شهر و مناطقی از این دست، به صورت غیر قانونی به وجود می‌آیند و توسعه آن‌ها بدون برنامه و اتفاقی است.
- ۲- معمولاً دارای بافتی فرسوده هستند و با مصالح بی دوام یا کم دوام به وسیله خود افراد و به صورت خلق الساعه ساخته می‌شوند (مانند زاغه، گرگین، آلونک، کپر و...).
- ۳- معمولاً فاقد خدمات شهری از قبیل راه آسفالت، آب، برق، وسایل بهداشتی و سیستم دفع فاضلاب و... هستند.

۴- معمولاً تراکم جمعیتی بالایی دارند و بیشتر ساکنین را افراد کم سن و سال و جوانان تشکیل می‌دهند. بیشتر ساکنین مهاجرین یا اقلیت‌های قومی، نژادی یا مذهبی هستند. این افراد به دلیل منافع مشترک و تجانسی که باهم دارند همبستگی خوبی دارند و از نوعی فرهنگ مشترک برخوردارند ولی نسبت به سایر افراد و سکنه شهر دچار حس عدم اعتماد و گوشه‌گیری هستند.

۵- اغلب ساکنین افرادی فقیر، بی سواد و فاقد مهارت کافی هستند که در میان آنها ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و ... بیش از سایر مناطق شهری به چشم می‌خورد.

علل اسکان غیررسمی

عوامل موجود در یک منطقه که موجب پیدایش انگیزه مهاجرت به آن و یا مهاجرت از آن است، به دو گروه عوامل دفع‌کننده و جذب‌کننده تقسیم می‌شود. عوامل دفع‌کننده (مانند سطح دستمزد پایین و بیکاری) موجب تقویت انگیزه ترک منطقه می‌شود در حالی که عوامل جذب‌کننده (مانند سطح درآمد بالا، درصد بالای امکان به دست آوردن شغل و اوضاع رفاهی مناسب) نه تنها باعث جذب مهاجرین به آن منطقه بخصوص می‌شود، بلکه تمایل ساکنین به ترک آن منطقه را هم به حداقل می‌رساند (Abedin Darkosh, 2015). «مایکل تودارو» در مدل «اقتصاد انتظاری» خود مهاجرت را عمدتاً پدیده اقتصادی می‌داند و متذکر می‌گردد که مهاجرت بیشتر واکنشی است نسبت به «درآمد مورد انتظار واقعی» تا «درآمد واقعی» در شهرها و روستاها. ساکنین سکونتگاه‌های غیر رسمی افراد مهاجری هستند که به دلیل یک سری عوامل دفع‌کننده از مبدأ که معمولاً روستاها یا شهرهای کوچک هستند و یک سری عوامل جذب‌کننده در مقصد که معمولاً شهرهای بزرگ‌تر و کلان‌شهرها هستند، مهاجرت می‌کنند.



شکل ۱: روند تحول و پویای سکونتگاه‌های فرودست شهری

Source: UN-HABITAT annual reports, (2010)

اسکان غیررسمی در ایران

تا سال ۱۳۲۰، اقتصاد شهر و روستا، نسبتاً توازن داشت، شروع حرکت‌های مهاجرتی و آغاز توسعه شهرنشینی معاصر ایران مقارن سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۳ است. مهاجرت روستایی در این دوره (دهه ۲۰ و ۳۰) الزاماً به سوی شهرها نبود. کشاورز از روستایی به روستای دیگر سفر و با همیاری و مشارکت کشاورزان محلی کار می‌کرد و با

محیط اجتماعی جدیدی که همانند محیط زندگی او در محیط زادگاهش بود، آشنایی داشت و به علاوه مهاجرت فصلی و موقت بود نه دائمی و بن کن (Haji yosefi, 2002:19).

نخستین زاغه‌نشین‌ها در این زمان (سالهای ۲۰ و ۲۵) در جنوب شهر تهران و در ویرانه‌های سابق کوره‌های آجرپزی جنوب شهر پا گرفتند که بر اثر گسترش محدوده شهری به نزدیکی شهر ری انتقال یافته و گودها و زاغه‌های جنوب شهر نامیده می‌شدند. کسانی که در این زاغه‌ها و گودها زندگی می‌کردند هم تهیدستان شهری و هم مهاجران روستایی و کارگران ساده ساختمانی بودند (Haji yosefi, 2002:19-20).

پس از وقفه سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ روند مدرنیزاسیون و بسط روابط سرمایه‌داری و ادغام هر چه بیشتر اقتصاد ایران در نظام سرمایه‌داری جهانی ادامه یافت. به دنبال آن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۳ در گسیختگی شبکه استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی کشاورزی نقطه عطفی به حساب می‌آید، چراکه از این دوره به بعد با تداوم یافتن روند مدرنیزاسیون در مقیاس وسیع‌تری در حقیقت زمینه تبدیل نفت به مهم‌ترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و در نتیجه کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات فراهم آمد. در این دوره علی‌رغم گسترش نسبی فعالیت‌های کشاورزی مازاد اقتصاد روستایی دیگر تعیین‌کننده روند شهرنشینی نیست. از این دوره به بعد شهر با اتکا به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت به محور اصلی تحولات جامعه بدل می‌گردد. در این دوره (۱۳۳۱-۱۳۴۰) رونق شهری از جانب دیگری باعث افزایش مهاجرت می‌شود. یعنی از یک سو مقام کشاورزی در ساخت اقتصادی رو به تنزیل می‌رود و این امر باعث افزایش مازاد نسبی جمعیت روستایی و سپس مهاجرت می‌شود و از سوی دیگر رونق شهری امکان جذب نسبی مهاجران روستایی را فراهم می‌آورد. لذا، میزان مهاجرت بیش از گذشته است. به تدریج از سالهای ۱۳۳۵ به بعد مهاجران تهیدست روستایی در محدوده شهرها، در اراضی بایر و یا اراضی غضبی با مواد و مصالح نامناسب از قبیل حلبی، چوب، حصیر، لاستیک فرسوده و خشت و گل و آجرهای فرسوده و... با همیاری یکدیگر، سکونتگاه‌های محقر و فاقد خدمات زیربنایی و رفاهی و در محیطی آلوده و غیر بهداشتی بر پا می‌کردند و در آنجا سکنی می‌گزیدند (Haji Yosefi, 2002: 19). تا قبل از سال ۱۳۴۰ و شروع اصلاحات ارضی در ایران، سازمان اجتماعی شهرها و روستاهای تعادل نسبی داشت. فاصله‌ی شهرها و روستاها چنان زیاد نبود. روستاییان به شدت درگیر مناسبات فئودالی بودند. مهاجرت روستائیان، شهرها در این دوره به صورت موجی آرام و مستمر ولی بسیار کند، صورت می‌گرفت، ضمن این که کانون‌های اسکان غیررسمی در این دوره قابل توجه نبوده و مهاجران جذب شهرها می‌شدند. در دهه ۴۰ اصلاحات ارضی تعادل ساختاری اقتصاد و جمعیت روستاها را دگرگون کرده بسیاری از روستاییان به سبب کوچک بودن مساحت زمین‌های واگذارشده، نداشتن وسایل تولید و نبود امکانات کافی، شروع به مهاجرت از روستاها کردند و پیدایش حاشیه‌های شهری در ایران از این دوره به وضوح آغاز شد. در این دوره جمعیت همه‌ی شهرهای ایران افزایش یافت و اولین محله‌ها مهاجرنشین پیرامون شهرها پدید آمد (Kalhorniya, 2003, 222-223).

از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ به‌رغم ادامه اجرای اصلاحات ارضی، در نتیجه شدت گرفتن روند شهرها و نیز افزایش فشارهای جمعیتی در مناطق روستایی به سبب افزایش چشمگیر جمعیت روستایی و رشد طبیعی جمعیت و بهبود نسبی امکانات بهداشتی و درمانی (و نیز افزایش درآمد نفت از حدود ۲/۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۴۵ به ۱۶/۳ میلیارد تومان در سال ۱۳۵۰ نرخ مهاجرت روستایی افزایش یافت. تأسیس شرکتهای سهامی زراعی در پاره ای از مناطق روستایی که در بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی مازاد کشاورزی این مناطق را آزاد می‌ساخت نیز در زمینه افزایش نرخ مهاجرت در حوزه عملی این شرکت‌ها مؤثر بوده است (Mazandarani Zahedi, 1987:36-37). افزایش قیمت نفت در دهه‌ی ۵۰-۵۵ به بشکه‌ای بیش از ۳۰ دلار و نداشتن برنامه‌های تبدیل این درآمدها به سرمایه‌های سازنده موجب توسعه‌ی اقتصادی مصرفی و عدم تعادل روزافزون شهرها و روستاها و تشدید مهاجرت روستاییان به شهرها شد. در این دوره تفاوت شهرهای بزرگ و متوسط بیش تر شد و تمام مظاهر اسکان غیررسمی در اطراف شهرهای بزرگ پیدایش یافت (Kalhorniya, 2003: 223).

در دهه‌های ۶۵-۱۳۵۵ واگذاری زمین در شهرها، جنگ، نداشتن برنامه‌ریزی‌های دورنگر توسعه، ضعف مقررات جلوگیری کننده از توسعه‌ی بدون قانون در کنار رشد جمعیت، مهاجرت به شهرها را تشدید کردند. در این دوره بافت بیشتر شهرها دچار توسعه‌ی گسترده و پراکنده‌شده بخشی از این توسعه، سکونتگاه‌های غیر رسمی جدید بوده بافت سکونتگاه‌های غیر رسمی قبلی و روستاها نیز در این دوره گسترش بیشتری یافتند (Kalhorniya, 2003: 223). در دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ تعداد شهرها بیش از ۲۵۰ هزار نفر در ایران از ۸ شهر به ۲۲ شهر افزون‌شده یا نزدیک سه برابر گشته است. اینها نشانه ایجاد قطب‌های متعدد جمعیتی در مناطق مختلف کشور است. با این همه اغلب شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر کشور دچار مسئله اسکان غیررسمی بوده‌اند (Athari, 2003). در فاصله سالهای ۸۰-۱۳۷۰ تحولات مختلفی در سکونتگاه‌های غیر رسمی یا اجتماعات آلونکی رخ داده است. یکی از مهم ترین اتفاقات دهه یاد شده افزایش خانوارهایی که از سکونتگاه‌های رسمی درون شهرهای بزرگ (به خصوص تهران) به سکونتگاه‌های غیررسمی یا اجتماعات آلونکی نقل مکان می‌کنند. مهم ترین دلیل این امر مشکلات اقتصادی خانوارهای شهری از یک سو و تمایل برخی از شهرنشینان برای به کف آوردن مبالغی به منظور سرمایه‌گذاری و کسب درآمد برای هزینه کردن ماهیانه است. بالاخره گروه سوم برای حذف هزینه مسکن رسمی (اجازه بها) ترجیح می‌دهند از مناطق رسمی درون‌شهری به اجتماعات آلونکی روی آورند.

مجموعه شرایط یاد شده به همراه سایر عوامل، باعث گردید تا در سال ۱۳۸۰ تعداد حاشیه نشینان بسیاری از کلان‌شهرها و شهرهای درجه دوم کشور از اصل جمعیت آنها در سال ۱۳۳۵ بیشتر شود. اگر چه آمار دقیقی از اسکان غیررسمی در ایران وجود ندارد، اما برآوردی که دفتر ساماندهی اسکان غیررسمی وابسته به شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی انجام داده است حکایت از این دارد که حداقل ۶ میلیون نفر از جمعیت شهری کشور در سکونتگاه‌های غیر رسمی مستقرند و تداوم روند موجود در دهه آینده تعداد آنها را به بیش از دو برابر خواهد رساند (Rasouli et al, 2019: 782).

پیشینه تحقیق

در تحقیقی (Sarvar, 2013) به «آینده‌نگری روند تحولات و راهبردهای مدیریت رشد سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حریم پایتخت» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تعریف جدید برای نقش‌آفرینی حریم پایتخت در فرایند توسعه منطقه‌ی کلان‌شهری تهران در کنار معضلات ساختاری در زمینه‌های ساخت‌وساز، تصرف‌های غیرقانونی و بخشی‌نگری مدیریت حاکم بر آن سبب شده که مدیریت وضعیت کنونی در کنار ارائه تصویری از روند تحولات آینده در کانون توجه محافل علمی و اجرایی قرار بگیرد. آینده‌نگری تحولات جمعیت و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، یکی از اولویت‌هایی است که نه تنها خود به‌تنهایی محور بسیاری از جلسات و مطالعات شده است، بلکه تحقق‌پذیری برنامه‌های راهبردی مدیریتی نیز تا حدود زیادی به شناسایی و ارزیابی روندهای بلندمدت آن بستگی دارد. نتایج نشان داد که در سناریوی خوش‌بینانه نیز شاهد تداوم روند رشد جمعیت و به‌تبع آن تداوم برخی معضلات در زمینه‌هایی همچون تصرف‌ها و تفکیک‌های غیرقانونی زمین، ساخت‌وسازهای غیر رسمی و گسترش سکونتگاه‌های خودرو خواهیم بود، بنابراین جدیت اراده ملی به ارتقای موضوع حریم در نظام تصمیم‌گیری، به‌کارگیری ساختار مدیریتی فراگیر و مختص حریم در سطح کلان و میانه در کنار بازبینی قوانین و مقررات و شناسایی خلأهای فضایی - عملکردی و ارائه ساختار مدیریتی یکپارچه از جمله سیاست‌هایی است که می‌تواند به تعدیل وضعیت و کاهش اثرات منفی در کنار توانمندسازی امکانات مادی و انسانی موجود در این حوزه بپردازد.

در تحقیقی (Sarvar, 2009) به «مقدمه‌ای بر آینده‌نگری گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در منطقه شهری تهران» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که از کل جمعیت استان تهران حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند که این مسئله مشکلات متعددی را از فشار بر عرصه‌های زیست محیطی گرفته تا مسائل امنیت اجتماعی به بار آورده است. تداوم رشد جمعیت شهری (حدود ۵ میلیون نفر تا سال ۱۴۰۴)، تداوم رشد سکونت‌گاه‌های غیر رسمی به تبع تداوم رشد جمعیت و مهاجرت، بطئی بودن ماهیت اصلاحات ساختاری از مؤلفه‌های موقر در گسترش ابعاد اسکان غیررسمی در منطقه کلان‌شهری تهران تا سال ۱۴۰۴ می‌باشد. لذا اجرایی ساختن سند مهاجرت معکوس، سند توانمندسازی، مدیریت یکپارچه و واحد مجموعه شهری و رویکرد به عدالت در فضا و سیاست‌باز توزیع ثروت به موازات رشد اقتصادی، از جمله راهبردهای مؤثر در برون‌رفت از وضعیت و حل مسئله می‌باشد.

در تحقیقی (abot, 2000) به «ارزیابی ارتقاء اسکان غیررسمی جهت تلفیق آن با شهر رسمی» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ناهماهنگی‌های فرهنگی، تفاوت در شیوه زندگی حاشیه‌نشینان؛ پایین بودن سطح سواد و ... سبب افزایش ناهمگنی‌های اجتماعی و افزایش بزهکاری در شهر می‌شود و هویت شهر مادر را تا حدودی دستخوش تغییر می‌کند.

در تحقیقی (Gilbert, 1994) به این نتیجه رسیده است که سکونتگاه‌های غیر رسمی محصول توزیع ناعادلانه قدرت، ثروت و خدمات در سطوح ملی و منطقه‌ای است. این امر در کشورهای جهان سوم وضعیت حادث‌تری نسبت به

کشورهای پیشرفته به وجود آورده است. اگر در مورد وضعیت این سکونتگاه‌ها و روند توسعه آن برنامه‌ریزی، ساماندهی و سیاست‌گذاری صورت نگیرد در آینده این سکونتگاه‌ها در زمینه‌ها مسکن، اشتغال، آموزش، بهداشت و مسائل دیگر وضعیت ناگواری را برای شهر اصلی و مادر شهر خود تحمیل می‌کنند.

در تحقیقی (World Bank, 2003) با عنوان «شهرهای بدون زاغه و حاشیه‌نشینی» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که برنامه‌ریزی برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی نیز از تحولات فرایند توسعه مستثنی نبوده است. تا قبل از ۱۹۷۰، رویکردهای موجود بر راه حل‌هایی دلالت می‌کرد که عمدتاً بر سیاست تخریب این سکونتگاه‌ها و جابجایی اجباری ساکنان آن‌ها مبتنی بوده است.

در تحقیقی (Naeimi and Pourmohamadi, 2016) به «شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر وضعیت آینده سکونتگاه‌های فرودست شهری سنندج با تأکید بر کاربرد آینده‌پژوهی» پرداخته‌اند و به این نتایج رسیده‌اند که در مرحله نخست با پوشش محیطی، ۵۴ عامل در شش حوزه، مؤثر بر وضعیت آینده سکونتگاه‌های فرودست شهر شناسایی شدند. آنچه از وضعیت صفحه پراکندگی متغیرها می‌توان فهمید حاکی از ناپایداری سیستم می‌باشد که بیشتر متغیرها در اطراف محور قطری صفحه پراکنده هستند. بنابراین پنج دسته عامل (عوامل تأثیرگذار، عوامل دووجهی، عوامل تنظیمی، عوامل تأثیرپذیر و عوامل مستقل) قابل‌شناسایی هستند. در نهایت از میان ۵۴ عامل یاد شده پس از بررسی میزان و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر و بر وضعیت آینده این سکونتگاه‌ها با روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، تعداد ۱۲ عامل کلیدی انتخاب شدند؛ شیوه مدیریت، رشد اقتصاد ملی، مهاجرت، رویکرد محله محوری، سیاست‌های تأمین مسکن در استطاعت، کیفیت فضا و مکان، سرمایه اجتماعی، قیمت زمین و مسکن، سواد و سطح نفوذپذیری آن، مدیریت زمین، مالکیت (امنیت تصرف) که بیشترین نقش را در وضعیت آینده سکونتگاه‌های فرودست شهری سنندج ایفا می‌کنند.

در تحقیقی (Keshavarz Tork and Barati, 2016) به «آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری» پرداخته‌اند و معتقد هستند که شهر به عنوان کانون تجمعات انسانی، دائم در حال تحول و تغییر است. تحولات شهری همواره سبب شکل‌گیری چالش‌هایی خواهد شد که بر سرنوشت زندگی افراد ساکن در شهرها اثرگذار خواهد بود. از این رو ما تا جایی که بتوانیم باید آینده را در چارچوب مدل‌های آینده‌پژوهی و با رویکرد برنامه‌ریزی شهری قابل فهم کرده تا از چالش‌های پیش رو با حداقل بدون آسیب‌پذیری عبور کرد. امروزه آینده‌پژوهی با سرعتی شتابان در حال ارتقای جایگاه خود در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دولت‌ها و سازمان‌ها است. این مسئله سبب شده است که آینده‌پژوهان در پی طراحی الگوها و فرآیندهایی برای اجرای اثربخش آینده‌پژوهی بوده و با این کار می‌کوشند تضمینی برای نتایج پروژه‌های آینده‌پژوهی فراهم سازند.

در تحقیقی (Moghimi, 2016) به «معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی در رویکردهای نظری به برنامه‌ریزی شهری، معماری و صنعت ساختمان» پرداخته است. نتایج یافته‌های تحقیق به‌نظام جدید برنامه‌ریزی نوین در شهرسازی و معماری با بهره‌گیری از روش‌های آینده‌پژوهی اشاره کرده است. فرآیند برنامه‌ریزی سنتی، خطی و متشکل از ۶ مرحله

کلی است. در این فرآیند محوریت موضوع بر پیش‌بینی روندهای گذشته در آینده است که هیچ‌گونه تأکیدی بر روندهای ناپیوسته که ممکن است در آینده رخ دهد نمی‌شود. لذا دارای ضعف بسیار عمده‌ای در خصوص آینده‌نگری است چون تمام ویژگی‌های آینده را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. سناریونویسی برای آینده و تشکیل سبد سناریوها مبتنی بر متغیرهای تأثیرگذار در جامعه آینده از دیگر مراحل مهم در رویکرد نو به برنامه‌ریزی است که لازم است تمهیدات لازم و احتیاطی جهت برخورد با هرگونه آینده ممکن در جهان آینده‌اندیشیده شود.

در تحقیقی (Naserrodi and Valinajad, 2015) به «حاشیه‌نشینی، آینده‌پژوهی و آرایه راهکار مطالعه موردی: شهر خواف» پرداخته‌اند. و معتقد بودند در جهان روبه‌پیشرفت امروز می‌توان یکی از مهم‌ترین چالش‌های مهم فراروی مدیریت را پدیده مهاجرت، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در اطراف شهرها و مناطق محروم شهری دانست. از پیامدهای صنعتی شدن و شهرنشینی شتابان، می‌توان به پدیده حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیر رسمی اشاره کرد. حاشیه‌نشینی شهری که شاید همزاد شهر و شهرنشینی باشد، در شرایط امروزی ابعاد بزرگ‌تری یافته و یکی از مسایل مهم کشورها، به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته، محسوب می‌شود. یکی از علل بسیار مهم در گسترش شهرنشینی و هم‌چنین سکونتگاه‌های غیر رسمی، توسعه خطی و نامتوازن می‌باشد. در پژوهش حاضر به بررسی سکونتگاه‌های غیر رسمی از منظر توسعه پایدار و آینده‌پژوهی در شهر خواف پرداخته‌اند.

در تحقیقی (Naeimi, 2015) به «آینده‌پژوهی برنامه‌ریزی و توسعه مسکن شهری با تأکید بر مسکن غیررسمی» مطالعه موردی: مسکن غیررسمی شهر سنندج پرداخته و معتقد است تحول و تغییر، یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده است و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در هم‌تندگی زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. آینده‌ای که هم‌اکنون به سوی ما می‌آید یا ما به سوی آن حرکت می‌کنیم، آینده‌ای غریب است، هیچ‌سختی و شباهتی با امروز و دیروز ندارد. اگر همین امروز و به مدد علم آینده‌پژوهی نتوانیم چنین آینده‌ای را شناسایی کنیم، آینده ما را خواهد بلعید. آینده‌نگاری در حقیقت پاسخی خردمندانه و حکیمانه به چالش‌های پدید آمده در پی دگرگونی‌هاست. این تحقیق با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی با چهارچوب نظری پارادایم هنجاری به بحث درباره توسعه آتی مسکن شهری به‌ویژه مسکن غیر رسمی شهر سنندج می‌پردازد. روش تحقیق از لحاظ هدف بنیادی - کاربردی است و از نظر ماهیت براساس روشهای جدید آینده‌پژوهی، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای - میدانی، پرسشنامه و تکنیک پویش محیطی استفاده شده است. در راستای انجام پژوهش به‌کارگیری تکنیک‌های متعدد آینده‌پژوهی، از جمله پویش محیطی، تحلیل اثرات متقابل و سناریونویسی ترکیب جامع در ارائه روش جدید آینده‌نگاری مسکن ارائه داده است. همچنین از نرم افزارهای تخصصی آینده‌پژوهی از جمله micmac و scenariowizard برای اولین بار در برنامه‌ریزی و توسعه مسکن شهری به‌ویژه مسکن غیر رسمی، در این پژوهش بکار گرفته شده است.

در تحقیقی (Rabani, 2013) با عنوان «آینده‌پژوهی رویکردی نوین در برنامه‌ریزی، با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری» به این نتیجه رسید علی‌رغم تفاوت‌هایی که این دو رشته با هم دارند، بسیاری از نواقص برنامه‌ریزی شهری می‌تواند از طریق بهره‌گیری از آینده‌پژوهی مرتفع شده و کاربرد این پارادایم در پیشبرد اهداف برنامه ریزان شهری مفید واقع شود. در تحقیقی (Mafi and Nagdi, 2013) با عنوان «آینده‌نگاری کاربری اراضی و رشد جمعیت شهر فاروج تا افق سال ۱۴۰۰» به این نتیجه رسیده‌اند که مساحتی برابر ۳۵ هکتار، سطح موردنیاز برای افق طرح خواهد بود که در صورت برنامه‌ریزی دقیق کاربری اراضی و توجه ویژه به این کمبودها در سال‌های آتی از مشکلات فراوانی کاسته خواهد شد. در تحقیقی (Rabani, 2012) به «کاربرد رویکرد آینده‌پژوهی و تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی توسعه شهری، مطالعه موردی: شهر بانه» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که شهر را می‌توان پیچیده‌ترین ساخته بشر دانست که طی تاریخ، مراحل مختلف رشد خود را طی کرده است. شهرهای معاصر که بیشتر جمعیت کره زمین را در خود جای داده‌اند، تحت تاثیر متغیرهای گوناگون، مراحل رشد خود را طی کرده و در فرآیند گذر زمان، تغییرات زیادی را تجربه کرده‌اند که شدت تغییرات در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به حدی است که دیگر رویکردهای رایج برنامه‌ریزی پاسخگوی این تحولات نیست. پیچیدگی و عدم قطعیت عوامل مؤثر در توسعه آتی شهرها و گستردگی دامنه متغیرهای تأثیرگذار از سطح محلی تا سطح جهانی، نیاز به اتخاذ رویکرد و تفکری نوین در برنامه‌ریزی شهری را آشکار می‌کند. آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی نوپا که می‌توان آن را شکل تکامل‌یافته برنامه‌ریزی راهبردی دانست، در سال‌های اخیر به شدت برای پاسخگویی به شرایط عدم قطعیت، پیچیدگی، درهم‌تنیدگی ابعاد مختلف موضوعات و ترسیم دورنمای آینده سیستم‌ها بکار برده می‌شود. آینده‌پژوهی در حیطه برنامه‌ریزی شهری و بررسی سیستم‌های شهری، تاکنون آنچنان که باید موردبررسی قرار نگرفته و مبانی علمی اندکی در این ارتباط وجود دارد. با این وجود پتانسیل‌های آینده‌پژوهی و مسائل عمدتاً نیمه ساختاریافته و بدون ساختار در برنامه‌ریزی شهری، دال بر امکان استفاده از برنامه‌ریزی بلند مدت، تفکر راهبردی و رویکرد آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی توسعه شهری است.

در تحقیقی (Babageybi Azghandi, 2010) با عنوان «آینده‌پژوهی؛ رهیافتی نو در مدیریت جامع حمل‌ونقل شهری» ضمن طرح و بررسی دو معضل عمده در برنامه‌های مدیریت جامعه حمل‌ونقل شهری، دانش آینده‌پژوهی را رهیافت نوینی می‌داند که می‌تواند برای حل معضلات حمل‌ونقل کارساز باشد. همچنین آنها با تبیین قلمروهای مطالعات آینده‌پژوهی، کم و کیف تأثیرات آن بر حمل‌ونقل شهری و زمینه کاربرد این علم در مباحث حمل‌ونقل را بیان کردند و علاوه بر معرفی اصول، تعاریف اساسی و مفاهیم اولیه علم آینده‌پژوهی، برخی از مهم‌ترین انواع روش‌های مطرح آینده‌پژوهی نیز مطرح شدند. در نهایت با ارائه الگو، راهکار مناسبی برای کاربردی کردن استفاده از این علم نو در زمینه حمل‌ونقل ارائه شد.

شناخت محدوده

طی دوره‌های مختلف رشد و گسترش کالبدی کلانشهر تهران سکونتگاه‌های غیررسمی در درون و پیرامون آن به صورت منفصل و یا متصل و ادغام شده در کلانشهر و شهرهای پیرامون آن شکل گرفته‌اند. در طی سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ با توجه به وقایع سیاسی و اقتصادی که منجر به افزایش شدید جمعیت تهران و گذشتن جمعیت آن از مرز

یک میلیون نفر شد، مسأله مسکن و داشتن سرپناه روز به روز به نیازی عمومی و اساسی تر بدل می‌شد و محلات تازه‌ای در خارج از محدوده قانونی شهرها از هر سو با رشد بی ضابطه و غیرمتعارف پدیدار می‌شد. کلانشهر تهران در طی دوره‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ امکان (ظرفیت خالی) اسکان بخش عمده گروه‌های اجتماعی شاغل در شهر و پیرامون شهر را داشته است و جذب ۸۲ درصد مهاجرین به منطقه تهران (شامل مهاجران سایر استان ها و مهاجرت‌های داخلی در منطقه) این موضوع را مشخص می‌سازد. البته امکانات جذب جمعیت در تهران با گسترش محلات حاشیه‌ای و ساخت کوی‌های مختلف نظیر کوی دولت آباد برای اسکان اقشار کم درآمد همراه بود و مضیقه‌ی شدید فضای مسکونی خانوارها در این دوره، در آمارها منعکس است (میزان اتاق نشینی در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۲ درصد بوده است). به عبارت دیگر، هرچند بخش عمده‌ای از گروه‌های اجتماعی شاغل در داخل محدوده شهر و یا در محدوده بلافصل آن زندگی می‌کردند، اما مسکن نابهنجار نظیر حلبی‌آبادها، زاغه‌ها، گودنشینی و سکونت در اطراف کوره‌ها (آجر و سفال و غیره) از نمودهای کالبدی کمبود مسکن مناسب برای گروه‌های اجتماعی مختلف در کلانشهر تهران بوده است و تا حوالی سال ۱۳۵۵ کاملاً آشکار است.

در سال ۱۳۵۵ تنها یک سکونتگاه بزرگ خودرو در منطقه شهری تهران وجود داشت و آن شادشهر بود که بعدها به اسلامشهر تغییر نام می‌دهد و پس از آن نیز تپه مرادآباد (زورآباد کرج) در داخل محدوده شهر کرج به سکونتگاه غیر رسمی بزرگ بعدی تبدیل می‌شود. هرچند هنوز سکونتگاه‌های نابهنجار در داخل شهر تهران قابل مشاهده است، اما در دهه‌ی بعد رشد سکونتگاه‌های غیررسمی در پیرامون شهر تهران به شدت بالا می‌رود.

زیرا با سختگیری و شدت عمل در محدوده شهر تهران و به لحاظ عدم توجه کافی به آبادی‌های موجود و بافت‌های روستایی پیرامون، شهر تهران با رشد بیشتری مواجه می‌شود، به بیان دیگر سکونتگاه‌های خودرویی در مجاورت بافت‌های روستایی به وجود می‌آیند. شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون روستاها و شهرهای استان تهران و محدوده حریم پایتخت هنوز هم در حال تداوم است و این پدیده در طی دهه‌های ۵۵-۶۵ و ۶۵-۷۵ در روستاهایی اتفاق می‌افتد که در مجاورت محورهای ارتباطی اصلی به تهران قرار گرفته‌اند. مطابق بررسی صورت گرفته در طرح مجموعه شهری تهران، در طی سال ۱۳۵۵ تنها ۵٫۳ درصد از جمعیت منطقه شهری تهران در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کرده‌اند که این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۱۲٫۱ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۱۹٫۱ درصد جمعیت می‌رسد. در حالی که در تهران در سال ۱۳۵۵، حدود ۱۰۰ هزار نفر در سکونتگاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کردند، در سال ۱۳۶۵ این رقم به ۱۴۰ هزار نفر می‌رسد و در سال ۱۳۷۵ رقم صفر برای آن منظور شده است. لیکن عدد صفر نه به این دلیل که گونه‌هایی از سکونتگاه‌های غیررسمی در تهران وجود ندارد بلکه به نظر می‌رسد تعاریف سکونتگاه‌های غیر رسمی و در نظر نگرفتن ترکیبی از معیارها، شاخصها و ویژگی‌های متصور بر آنها منجر به پنهان شدن این مسأله در تهران شده است

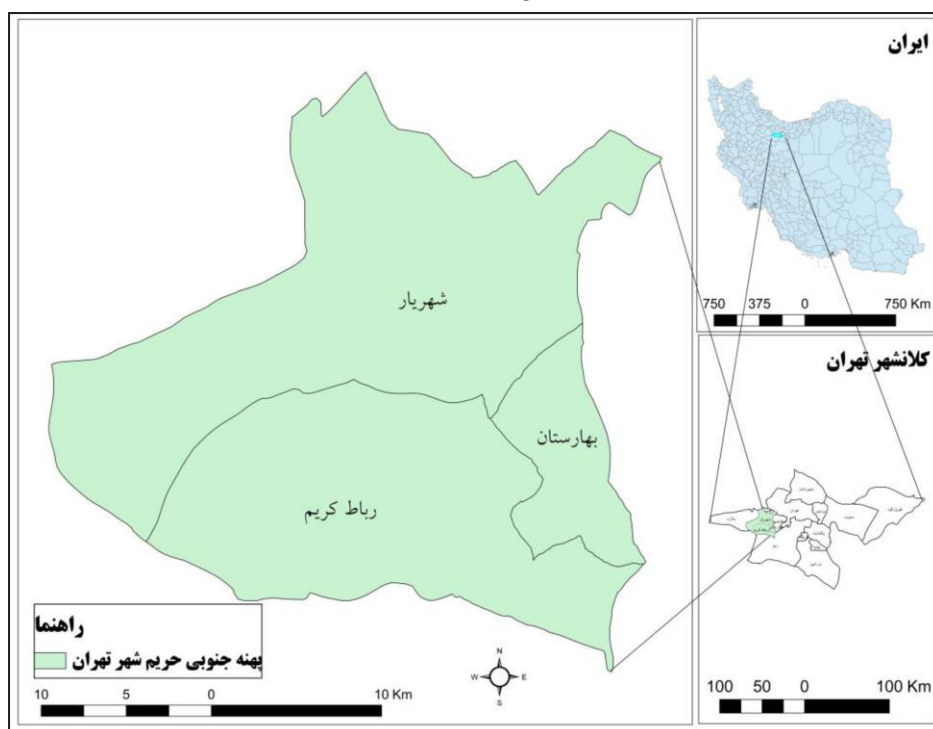
شهرستان شهریار با مساحت ۳۲۰ کیلومترمربع یکی دیگر از شهرستانهای مورد مطالعه رساله حاضر در حریم جنوبی کلانشهر تهران جهت مطالعه اسکان غیررسمی است. طی دو دهه گذشته این محدوده نیز توسعه چشمگیری پیدا کرده و این امر باعث شده است که افراد از شهرها و روستاهای اطراف به امید یافتن فرصت‌های مناسب تر زندگی و بخصوص اشتغال به تهران

مراجعه کنند و به دلیل عدم استطاعت مالی به حاشیه تهران رانده شده و به شهرهای این محدوده مهاجرت نموده‌اند که عمدتاً به دلیل پایین بودن قیمت زمین در نواحی پیرامونی، به گونه‌ای بی قاعده شروع به ساخت و ساز کرده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان عامل مهاجرت را مهمترین دلیل شکل‌گیری اسکان غیررسمی در شهرستان شهریار دانست (نقشه ۱).

شهرستان رباط کریم در جنوب غربی استان تهران و محدوده جنوبی حریم کلانشهر تهران واقع شده است. شکل‌گیری رباط کریم عمدتاً از هسته‌های روستایی بوده است. به نحوی که با گسترش سکونتگاهها کم کم روستاها و نواحی پیرامون جزئی جدایی ناپذیر از بافتهای جدید شهری شده‌اند.

شهرستان بهارستان با وسعتی کمتر از ۱۰۰ کیلومترمربع در جنوب غربی حریم پایتخت واقع شده است. این شهرستان شامل ۲ بخش، ۳ شهر و ۴ دهستان است. جمعیت شهرستان بهارستان در سال ۱۳۹۵ معادل ۵۳۶۳۲۹ نفر بوده که در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۵۲۳۶۱۹ و ۶۲۲۷۳۷ و ۲۶۲۰۴۷ نفر بوده است. در سال ۱۳۹۵ جمعیت نقاط شهری بهارستان ۴۹۸۶۳۲ و نقاط روستایی ۳۷۶۹۷ نفر بوده است. شهرنشینی شهرستان در سال ۱۳۹۵ به میزان ۹۳ درصد رسیده است. میزان شهرنشینی در سال ۱۳۹۰ معادل ۹۰٫۴ درصد بوده است

این شهرستان شامل سه بخش، سه شهر و سه دهستان است. جمعیت شهرستان اسلامشهر در سال ۱۳۹۵ معادل ۵۴۸۶۲۰ نفر بوده که در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۴۸۵۶۸۸ و ۴۴۸۸۶۴ و ۳۶۴۹۲۸ نفر بوده است. در سال ۱۳۹۵ جمعیت نقاط شهری آن ۵۱۲۱۵۶ نفر و نقاط روستایی آن ۳۶۴۳۹ نفر بوده است، بنابراین شهرنشینی شهرستان اسلامشهر در سال ۱۳۹۵ به میزان ۹۳٫۴ درصد رسیده است، درصد شهرنشینی شهرستان در سال ۱۳۹۰ معادل ۸۹٫۶ درصد بوده است.



نقشه ۱: وضعیت شهرهای مورد مطالعه در پهنه جنوبی شهر تهران

Source: (Research findings)

یافته‌های پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها فرآیندی چند مرحله‌ای است که طی آن داده‌هایی که از طریق به‌کارگیری ابزارهای جمع‌آوری در نمونه (جامعه) آماری فراهم آمده‌اند؛ خلاصه، کدبندی و دسته‌بندی و ... در نهایت پردازش

می‌شوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل‌ها و ارتباط‌ها بین این داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در این فرآیند داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و هم از جنبه تجربی پالایش می‌شوند و تکنیک‌های گوناگون آماری نقش به‌سزایی در استنتاج‌ها و تعمیم‌ها به عهده دارند.

مصاحبه با کارشناسان و تکمیل پرسشنامه:

در این قسمت، با استفاده از دلایلی که در منابع کتابخانه‌ای وجود داشت، لیستی برای مصاحبه با خبرگان تهیه شد و در مصاحبه‌های جداگانه، نظر خبرگان را در مورد میزان اثرگذاری عوامل با استفاده از طیف لیکرت جویا شدیم. سپس با استفاده از نظرات خبرگان و اعتبار سنجی دلایل مرحله مطالعاتی، پرسشنامه‌ای برای جمع‌آوری نظر کارشناسان در حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری تهیه شد و تعداد 20 عدد از این پرسشنامه‌ها توزیع گشت. از نظر نخبگان، موارد زیر دارای اهمیت بیش از متوسط بوده‌اند:

جدول ۱: فهرست عوامل موثر بر آینده اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی حریم کلانشهر تهران

N°	Long label	Short label	N°	Long label	Short label
1	رشد اقتصاد ملی	رشد	15	مهاجرت	مهاجرت
2	سیاست‌های بازتوزیعی	بازتوزیعی	16	نابرابری‌های اجتماعی	نابرابری
3	قیمت زمین و مسکن	قیمت	17	مشارکت اجتماعی	مشارکت
4	بیکاری	بیکاری	18	امنیت	امنیت
5	حکمروانی خوب شهری	حکم‌روایی	19	ناهنجاری و آسیب‌های اجتماعی	ناهنجاری
6	زمین‌خواری	زمین‌خ	20	مدیریت زمین	م زمین
7	سازمان‌ها مزدم نهاد و شکل‌ها	تشکل	21	ساخت و سازهای مبتنی بر قوانین نظام مهندسی	ساخت
8	مدیریت یکپارچه شهری	مدیریت	22	سرنه و سطوح کاربری‌ها	سرنه
9	رویکرد توسعه پایدار محلی	توسعه	23	شبکه ارتباطی	شبکه
10	آگاه‌سازی ساکنان در مورد تبعات زیست‌محیطی	تبعات	24	تمرکز زدایی و واگذاری اختیارات	تمرکز
11	کاربری‌های ناسازگار	کاربری	25	سیاست نوازن منطقه‌ای	نوازن
12	کمربندهای سبز موجود در محدوده	کمربندها	26	سیاست تامین مسکن فشار پایین	تامین
13	هویت	هویت	27	تجدیدنظر در قوانین و مقررات توسعه شهری	تجدیدنظر
14	سرمایه اجتماعی	اجتماعی	28	فقرزدایی	فقر ز

Source: (Research findings)

ماتریس اثرات متقابل

عدم توفیق استراتژی‌ها و شکست برنامه‌ها به دلیل تغییرات مستمر و شتابان محیط موجب رشد مفاهیم آینده‌پژوهی شد و آینده‌پژوهی به‌عنوان ورودی برنامه‌ریزی استراتژیک تلاش کرد به پیش‌بینی و ترسیم تصاویر محتمل از آینده

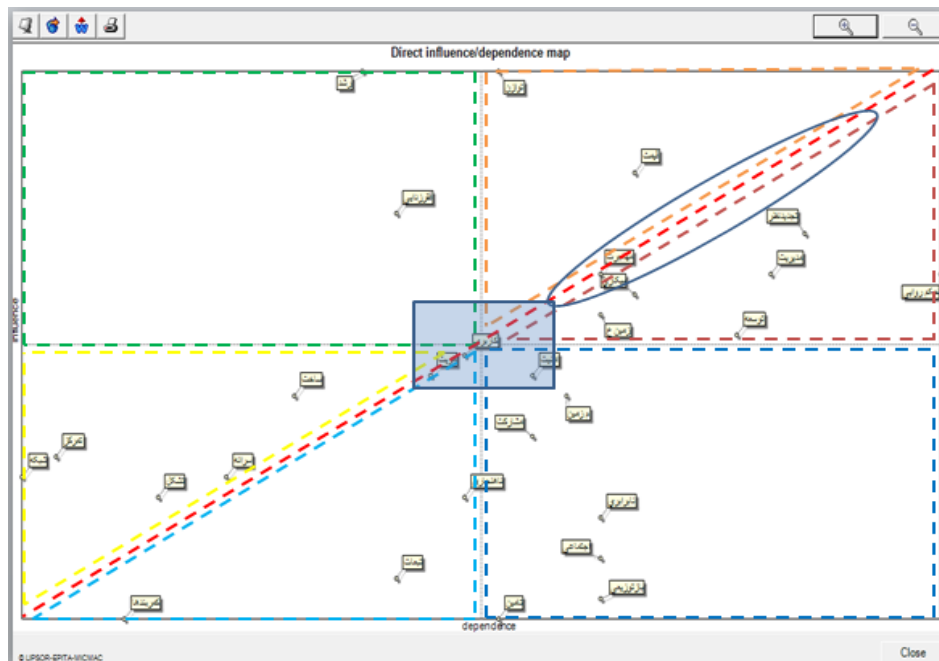
پردازد و ضعف استراتژی‌ها در مواجهه با تغییرات آینده محیط را مرتفع کند. در نتیجه تکنیک‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی رشد چشمگیری یافت و یکی از این مصداق‌ها نیز روش تحلیل اثرات متقابل بود. در این مرحله با استفاده از تحلیل گام‌های قبلی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار استخراج شدند. به علت اشتراک نتیجه نظرات مشاهده‌شده در مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، دلایل استخراج‌شده در این مرحله در واقع همان ۲۸ دلیل پر اهمیت مصاحبه با خبرگان هستند. به این ترتیب ماتریس اثرات متقابل طراحی و در مصاحبه با اساتید دانشگاهی، تکمیل شد که نتیجه آن در جدول زیر بیان شده است:

جدول ۲: ماتریس اثرات متقابل، با استفاده از نتایج نظرسنجی از خبرگان

	۱: رشد	۲: بازاربومی	۳: قیمت	۴: بیکاری	۵: حکم‌روایی	۶: زمین‌خ	۷: تشکل	۸: مدیریت	۹: توسعه	۱۰: تبعات	۱۱: کاربری	۱۲: کمربندها	۱۳: هویت	۱۴: اجتماعی	۱۵: مهاجرت	۱۶: نابرابری	۱۷: مشارکت	۱۸: امنیت	۱۹: ناهنجاری	۲۰: م‌زمین	۲۱: ساخت	۲۲: سزانه	۲۳: شبکه	۲۴: تمرکز	۲۵: توازن	۲۶: تأمین	۲۷: تجدیدنظر	۲۸: فقر	
۱: رشد	0	3	2	3	2	2	2	3	2	2	1	2	2	2	2	2	2	3	2	2	1	2	2	2	2	2	3	2	2
۲: بازارتوزیعی	2	0	2	2	2	2	1	1	1	1	1	1	1	1	2	2	2	1	1	1	1	1	1	2	1	2	1	2	
۳: قیمت	2	2	0	3	2	3	1	3	2	1	2	1	1	2	3	2	1	2	2	3	3	2	2	3	2	3	2	3	
۴: بیکاری	3	2	2	0	2	2	1	2	2	1	1	1	2	2	3	3	2	2	3	2	2	1	1	2	2	2	2	3	
۵: حکم‌روایی	2	2	2	2	0	2	2	2	2	2	2	2	2	2	1	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	
۶: زمین‌خ	2	2	2	2	2	0	1	2	2	2	2	2	2	2	2	2	1	1	2	2	2	3	2	1	2	2	2	2	
۷: تشکل	2	2	1	1	2	2	0	2	2	2	2	1	2	2	1	2	2	2	2	2	1	0	1	1	1	1	1	2	
۸: مدیریت	2	2	2	1	3	2	2	0	3	3	2	2	2	1	2	2	2	2	2	2	2	2	1	1	2	2	2	2	
۹: توسعه	2	2	1	2	3	1	2	3	0	2	2	2	3	2	3	2	2	1	1	2	2	1	2	1	1	3	1	1	
۱۰: تبعات	1	1	2	2	2	1	2	2	2	0	1	1	1	2	2	2	2	2	2	1	1	1	0	1	1	1	1	1	
۱۱: کاربری	2	2	3	1	3	3	1	2	3	2	0	2	2	2	2	2	2	1	2	3	3	1	1	3	2	2	2	1	
۱۲: کمربندها	1	1	1	1	2	2	1	2	2	2	2	0	1	1	1	1	0	1	1	1	2	1	1	1	3	1	2	1	
۱۳: هویت	2	2	2	2	3	1	2	3	2	2	2	1	0	2	2	2	2	2	2	2	1	1	1	2	2	1	1	1	
۱۴: اجتماعی	2	1	1	1	2	1	2	2	2	2	1	0	2	2	0	2	1	3	3	1	1	1	1	1	1	1	1	2	
۱۵: مهاجرت	2	2	2	3	3	1	2	2	2	2	2	2	2	2	0	2	2	2	2	2	2	1	2	2	2	2	2	1	
۱۶: نابرابری	2	2	2	3	1	1	1	2	2	2	1	0	2	2	2	0	2	2	1	1	0	1	1	1	2	2	0	3	
۱۷: مشارکت	2	2	2	2	2	2	2	2	2	1	1	1	2	2	2	2	0	1	2	2	1	2	2	2	2	1	1	1	
۱۸: امنیت	3	2	2	2	2	2	2	2	2	2	1	1	2	2	2	1	2	0	2	2	1	1	2	1	2	2	1	2	
۱۹: ناهنجاری	2	2	1	2	2	2	1	2	2	2	1	2	1	2	1	2	2	2	2	2	0	2	1	1	1	2	2	1	
۲۰: م‌زمین	2	2	3	2	2	2	1	2	2	1	3	2	1	2	1	1	2	1	1	0	2	2	1	1	2	2	2	2	
۲۱: ساخت	2	2	2	2	3	2	1	2	1	2	2	2	2	1	1	1	1	2	1	2	0	3	1	1	1	2	2	3	
۲۲: سزانه	2	2	2	1	2	2	1	2	2	2	2	2	1	1	1	1	2	1	1	3	2	0	1	1	1	2	1	2	
۲۳: شبکه	2	2	3	2	2	2	1	2	2	1	1	1	1	2	3	1	2	2	1	1	1	1	0	1	2	1	2	1	
۲۴: تمرکز	2	2	2	1	2	1	1	2	2	1	2	1	1	2	2	2	2	2	2	2	1	2	1	0	2	1	2	1	
۲۵: توازن	3	2	3	3	3	3	2	3	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	3	0	3	2	2	2	
۲۶: تأمین	2	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	2	2	1	2	2	2	2	1	1	1	1	1	1	0	2	2	
۲۷: تجدیدنظر	3	2	3	2	3	3	2	3	2	2	3	2	2	2	2	2	2	2	2	3	3	2	2	2	2	2	0	3	
۲۸: فقر	3	2	1	3	3	3	0	1	3	1	1	1	2	3	3	3	2	3	2	1	1	0	0	1	1	3	2	0	

Source: (Research findings)

کاربرد عمده روش مذکور جهت شناسایی نیروهای پیشران و تعیین عدم قطعیت‌ها و سناریونویسی می‌باشد. در واقع، آینده‌پژوهان از این روش، عوامل دارای عدم قطعیت که بیشترین اثرگذاری و کمترین اثرپذیری را دارند شناسایی می‌کنند و بر مبنای آن عوامل به پیش‌بینی تصاویر محتمل آینده می‌پردازند (Shortez, 2009). در نتیجه، یکی دیگر از مزایای کاربرد روش تحلیل اثرات متقابل، ورود به عرصه آینده‌پژوهی و سناریوپردازی می‌باشد. در گام بعدی نتایج ماتریس تکمیل‌شده‌ی فوق با استفاده از نرم‌افزار MicMac تحلیل شد و اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مختلف بر یکدیگر استخراج گشت که بر اساس تعریف و تفسیر متغیرها در نمودار میک‌مک، موقعیت و وضعیت هر یک از عوامل در آینده اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی حریم کلان‌شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۱: خروجی پلان اثرات مستقیم از نرم‌افزار MicMac

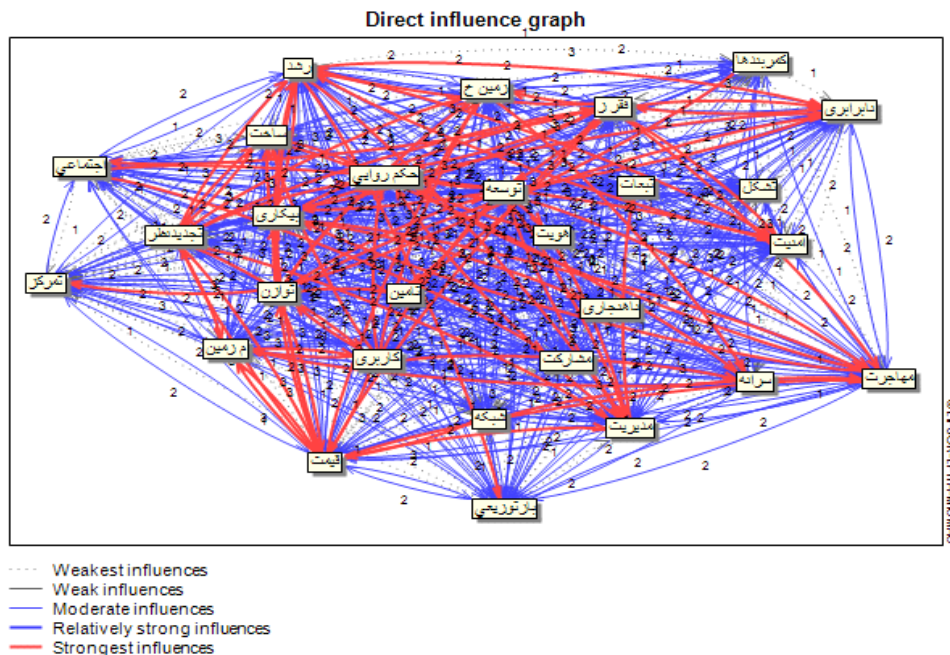
Source: (Research findings)

حال با توجه به نتایج و شکل ۴، ۲۸ نوع متغیر در نظر گرفته شده برای آینده‌نگاری اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی حریم کلان‌شهر تهران در چهار طبقه مشخص به شرح جدول ۳ ارائه می‌گردد که این تقسیم‌بندی با توجه به توضیحات پیشین در مورد هر کدام از متغیرها است:

جدول ۳: وضعیت هر یک از متغیرها به صورت کلی بر اساس تحلیل در نرم‌افزار میک مک

ردیف	نوع متغیر	متغیر
۱	دو وجهی	رشد اقتصاد ملی
۲		تأییدگذار
۳		سیاست توازن منطقه ای
۴		قیمت زمین و مسکن
۵		زمین خواری
۶		مهاجرت
۷		بیکاری
۸		رویکرد توسعه پایدار محلی
۹		مدیریت یکپارچه شهری
۱۰		تجدیدنظر در قوانین و مقررات توسعه شهری
۱۱		حکمرانی خوب شهری
۱۲	تأییدپذیر	امنیت
۱۳		مدیریت زمین
۱۴		مشارکت اجتماعی
۱۵		تأییدپذیری های اجتماعی
۱۶		سرمایه اجتماعی
۱۷		سیاست های بازتوزیعی
۱۸		سیاست تامین مسکن اقشار پایین
۱۹	مشکل	کاربرهای ناسازگار
۲۰		موت
۲۱		ناهنجاری و آسیب های اجتماعی
۲۲		گناه سازی ساکنان در مورد نیتات زیست محیطی
۲۳		ساخت و سازهای مبتنی بر قوانین نظام مهندسی
۲۴		سرله و سطوح کاری ها
۲۵		سازمان ها مردم نهاد و تشکل ها
۲۶		کمرتندهای سبز موجود در محدوده
۲۷		تمرکز زدایی و واگذاری اختیارات
۲۸	شیکه ارتباطی	

Source: (Research findings)



شکل ۲: دیاگرام تحلیل ماتریس اثرات متقابل (بسیار ضعیف تا بسیار قوی)

Source: (Research findings)

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی پژوهشی

اسکان غیررسمی به عنوان نمودی از نابرابری‌های منطقه‌ای و تمرکز رشد منحصر در مناطق ویژه شهری چون کلان‌شهرها و فقدان سلسله مراتب در نظام شهری و سکونتگاهی و در نتیجه وجود فاصله و شکاف بین مناطق مختلف (شهری و روستایی) است که به دلایل مختلفی به‌ویژه در حریم شهرها اتفاق می‌افتد.

در نتیجه به منظور مقابله با این موضوع و کمک به مدیریت بهتر شهرها بررسی سیر تکوینی و دلایل ایجاد و روند توسعه آن در آینده در قالب رویکرد آینده‌پژوهی ضرورت دارد. در شکل‌گیری و توسعه اسکان غیررسمی در جوامع درحال توسعه از جمله ایران عوامل مختلفی دخیل بوده‌اند. عواملی چون رشد جمعیت، مسائل اقتصادی، چارچوب‌های قانونی، سیاست‌های مختلف ملی و منطقه‌ای و سوانح طبیعی چون زلزله، سیل، خشکسالی و غیره. در بعضی از این جوامع رشد جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی بیش از رشد جمعیت در شهر اصلی است. برای پیشگیری و رفع این معضل، قطعاً آینده‌نگری، اتخاذ و اجرای سیاست‌های دراز مدت و کوتاه مدت ضروری است. در همین راستا، آینده‌نگاری تحولات اسکان غیررسمی در پهنه‌ی جنوبی حریم کلان‌شهر تهران مورد ارزیابی قرار گرفت و برای تجزیه و تحلیل آن از میک مک استفاده شده است. نتایج تحقیق از عوامل پیشران که نشان دهنده بیشترین تاثیر گذاری و کمترین تاثیرپذیری را دارند، در زیر به آن‌ها اشاره شده است:

متغیر رشد اقتصاد ملی و فقرزدایی بیشتر تأثیرگذار بوده و کم‌تر تأثیرپذیر هستند، بنابراین سیستم بیشتر به این متغیرها بستگی دارد. این متغیرها در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند. متغیرهای پیشران، بحرانی‌ترین مؤلفه‌ها می‌باشند، زیرا که تغییرات سیستم وابسته به آن‌ها و میزان کنترل بر این متغیرها بسیار مهم است. از طرف دیگر، این متغیرها ورودی به سیستم هستند. در میان این دسته از متغیرها، اغلب متغیرهای محیطی یا بافتی را

که به شدت بر سیستم تأثیرگذارند، می‌توان یافت. این متغیرها توسط سیستم قابل کنترل نیستند، زیرا که خارج از سیستم قرار دارند و بیشتر به عنوان عاملی از اینرسی عمل می‌نمایند. معنای پیشران این است که در صورت تغییر این گزینه‌ها، دیگر عوامل نیز تغییر خواهد کرد در نتیجه این نقطه کلیدی مسأله تسهیلات مبادله‌ای و مشارکتی به حساب می‌آیند. به میزانی که در تکمیل ماتریس از خبرگان بیشتری استفاده کنیم، قطعاً دقت خروجی بالاتر و نتیجه معقول‌تر خواهد بود از طرفی همراه کردن بدنه نخبگانی بیشتر موجب همگرایی آراء و همراهی خواهد شد.

آنچه که از اهمیت بالایی برخوردار است، توجه به ماهیت هر یک از عوامل پیشران است. چراکه برخی از این عوامل قابل سیاست‌گذاری و تغییر نیستند و ناشی از کلان‌روندهای محیطی می‌باشند ولی در عین حال اثر بالایی بر مسئله مورد پژوهش دارند. در خصوص چنین عواملی، سیاست‌گذاران می‌بایست، فرایند حل مسئله و سیاست‌ها و راهبردها را با تغییرات آن‌ها منطبق کنند.

بررسی عوامل سیاستی نشان می‌دهد که این متغیر در ناحیه اثرگذاری و اثرپذیری بالا، قرار گرفته‌اند ولی میزان اثرپذیری آن‌ها بیش از اثرگذاری است و جزء عوامل هدف یا سیاستی محسوب می‌شوند. بدین معنا که می‌توان برای این عوامل سیاست‌گذاری کرد و در برنامه‌ها بر آن‌ها تمرکز داشت زیرا تأثیرپذیری بالایی دارند. در نتیجه با برنامه‌ریزی می‌توان تغییرات قابل توجهی در آن‌ها ایجاد نمود. این عوامل شامل سیاست توازن منطقه‌ای، قیمت زمین و مسکن، زمین خواری، بیکاری، رویکرد توسعه پایدار محلی، مدیریت یکپارچه شهری، تجدید نظر در قوانین و مقررات توسعه شهری و حکمروایی خوب شهری هستند.

در عوامل مخاطره‌آمیز، متغیر مهاجرت هم‌زمان به صورتی بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کنند. این متغیرها در قسمت شمال شرقی شکل قرار می‌گیرند. طبیعت این متغیرها با عدم پایداری آمیخته است؛ زیرا هر عمل و تغییری روی آنها واکنش و تغییر دیگر متغیرها را به دنبال دارد. این گونه نتایج و واکنش‌ها دارای اثر بوم‌رنگی هستند که در نهایت باعث (تشدید) یا (میرایی) اثر و علامت اولیه می‌شوند.

این عوامل در بخش مخاطره‌آمیز قرار گرفته زیرا میزان اثرگذاری آن نسبت به اثرپذیری بیشتر است. در نتیجه با ایجاد تغییرات در آن‌ها، دامنه گسترده‌تری از اثرات، پدید خواهد آمد که ممکن است مخاطره‌آمیز یا دارای ریسک باشد (این متغیرها ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارند زیرا به علت ماهیت ناپایدارشان، پتانسیل آن را دارند که به (نقطه اتصال) سیستم تبدیل شوند). البته لازم است بدین مسئله واقف باشیم که این حدود و مرزها قراردادی و اعتباری می‌باشد و اصلاتی ندارند و قطعاً نسبی خواهند بود. به بیان دیگر، عوامل بخشی سیاستی و هدف نیز که اثرگذاری و اثرپذیری بالایی دارند، مخاطراتی را در بر خواهند داشت ولی جهت مشخص شدن نتیجه لازم است محدوده‌ای را مشخص کنیم تا بتوانیم به مرحله تصمیم‌گیری برسیم.

از سوی دیگر وجود شاخص‌های مانند مدیریت زمین، امنیت، مشارکت اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سیاست‌های باز توزیعی، سیاست تأمین مسکن اقشار پایین متغیرهای تأثیرپذیر یا به بیان بهتر متغیرهای نتیجه در قسمت جنوب شرقی شکل قرار دارند. آن‌ها تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالایی دارند؛ بنابراین

نسبت به تکامل متغیرهای سیاستی و مخاطره‌آمیز، بسیار حساس هستند. آن‌ها متغیرهای خروجی از سیستم هستند. این عوامل در حقیقت از تغییرات فضای مسئله متأثر خواهند شد و هر تغییری را منعکس می‌کنند ولی تغییرات خودشان بر عوامل دیگر اثر چندانی نخواهد داشت. به همین دلیل بهترین گزینه‌ها جهت تعیین شاخص سیستم یا مسئله می‌باشند.

با توجه به شکل شماره ۴ و ۵ شاخص‌های مانند هویت، سرانه، سطوح کاربری‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌ها، آگاه‌سازی ساکنان در مورد تبعات زیست محیطی، کمربندهای موجود در محدوده، تمرکززدایی و واگذاری اختیارات، شبکه ارتباطی، ساخت‌وسازهای مبتنی بر قوانین نظام مهندسی و ... جز متغیرهای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی هستند. این شاخص‌ها در قسمت جنوب غربی نمودار (محور مختصات) قرار دارند و گویا اصلاً ارتباطی با سیستم ندارند؛ زیرا نه باعث توقف یک متغیر اصلی و نه تکامل و پیشرفت آن در سیستم می‌شوند.

بنابراین، کلیه این عوامل، سیستمی را شکل می‌دهند که نیروهای پیش‌برنده آن، اگر در مسیر و ریل عوامل سیاستی و هدف قرار گیرند، شاخص‌ها را به سمت مطلوب تغییر خواهند داد. ولی اگر عوامل پیشران و کلیدی که مشتمل بر عوامل مدیریت‌پذیر و غیرقابل کنترل می‌باشند، به سمت دلخواه قرار نگیرند، اگرچه ریل‌گذاری مناسبی با عوامل هدف و سیاستی صورت گرفته باشد، هرگز سیستم بر این ریل نخواهد نشست و مطلوب محقق نخواهد شد. در واقع این مفهوم «اسکان غیررسمی» را می‌توان در مورد شهرهای پهنه جنوبی حریم کلان‌شهر تهران چنین تعمیم داد که محدودیت‌های فضایی و اقتصادی به وجود آمده در محدوده شهرها و هم‌چنین توان پایین مدیریت شهری و منطقه‌ای در هدایت جریان توسعه شهری و منطقه‌ای منجر به شکل‌گیری و گسترش بازار غیر رسمی زمین و مسکن در پیرامون شهرها شده است و بخش‌های عظیمی از گروه‌های کم‌درآمد را در کانون‌های سکونتی اطراف خودگرد آورده است و این کانون‌ها به این دلیل در پیرامون و فاصله‌اندکی از شهرهای اصلی شکل گرفته‌اند که به لحاظ اقتصاد و درآمد و دسترسی به بسیاری از خدمات و تسهیلات به شهرهای اصلی خود وابسته‌اند. این موضوع با رشد هسته‌های روستایی از طریق ساخت‌وسازهای غیر رسمی و شکل‌گیری مراکز بزرگ‌تر همچون اسلامشهر همراه شده است که امروزه خود شهری بزرگ است. داستان اسکان غیررسمی از آنجا آغاز می‌شود که بخش قابل توجهی از گروه‌های تازه وارد و یا با سابقه شهری به دلایلی از توان تهیه مسکن در بخش رسمی شهر برخوردار نیستند. این افراد با توجه به توان اقتصادی در مکانی با فاصله از شهر و معمولاً خارج از محدوده شهری سکونت یافته و با ارتزاق از مشاغل شهری در انتظار رسمیت یافتن و برخورداری از امتیازات آن روزگار را سپری می‌کنند. در واقع اسکان غیررسمی حکایت زندگی کم‌درآمدهایی است که از محدوده رسمی شهر رانده و مجبور به سکونت در بخش‌های غیر رسمی شده‌اند. برای این فقرا تهیه زمین غیر رسمی (و نه لزوماً غیرقانونی و تدارک و ساخت تدریجی مسکن به دور از روند بروکراتیک شهرداری‌ها و با به‌کارگیری مصالح ارزان بسیار اقتصادی‌تر از تهیه مسکن رسمی است. بنابراین سکونتگاه‌های غیررسمی و خودانگیخته بدون برنامه و زیرساخت‌های مناسب و اصول شهرسازی که علاوه بر کاستیهای کالبدی از نظر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی تابع وضعیت رشد اقتصاد و

اقتصاد سیاسی کلان کشور و سیاست‌های توازن منطقه‌ای و فضایی می‌باشند. به همین خاطر پهنه جنوبی حریم کلان‌شهر تهران با توجه به زمینه گسترش که در این مسیر قرار گرفته است قطعا متاثر از این عامل بیرونی قرار خواهد گرفت. در فرآیند مصاحبه با کارشناسان و متخصصان نیز رشد اقتصاد ملی و اقتصاد رانتهی تهرانو وجود یا ضعف سیاست‌های توازن منطقه‌ای به‌عنوان یک متغیر موثر بر آینده اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی تهران مورد توجه قرار گرفت.

بر اساس تحلیل ساختاری انجام‌شده و توضیحات ارایه شده فوق و با توجه به متدلوژی روش میک مک می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین عوامل کلیدی و تأثیرگذار در آینده اسکان غیررسمی حریم جنوبی کلان‌شهر تهران رشد اقتصاد ملی و فقرزدایی هستند، همچنین با توجه به نتایج عدم قطعیت، بیکاری نیز به عنوان سومین عامل مهم در آینده وضعیت اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی کلان‌شهر تهران انتخاب شد. متغیر سیاست‌های توازن منطقه‌ای علیرغم اینکه در برآیند تحلیل ساختاری در زمره متغیرهای دوجویی و از نوع دوجویی قرار گرفته است و از سوی دیگر میزان عدم قطعیت آن نسبت به هفت متغیر دیگر رتبه کمتری کسب نموده است، با این حال با توجه به پیشنهادات طرح‌های فرادست در خصوص نقش سیاست‌های توازن منطقه‌ای در ساماندهی حریم کلان‌شهر و اسکان غیررسمی و تاکید آنها بر این امر و نیز تاکید مسئولین بر اجرای سیاست‌های توازن منطقه‌ای در مصاحبه‌های عمیق، متغیر سیاست‌های توازن منطقه‌ای نیز به سه متغیر فوق اضافه گردید و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیشران در آینده وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی حریم جنوبی کلان‌شهر تهران در راستای سناریونگاری ارائه شد. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌ها، طرح و برنامه‌های توسعه شهری نتوانسته‌اند به نیازهای فزاینده جمعیت در حال ورود به شهرهای حریم به گونه‌ای مطلوب پاسخ دهند. اقبال و گروه‌های کم درآمد در روند شهرنشینی رقابتی که در اکولوژی تهران جایی برای سکونت نیافته‌اند، به ناچار در حاشیه‌ها و در نواحی فرودست شهری اسکان گزیده‌اند. در واقع در برنامه ریزیهای شهری به صورت رسمی و یا غیرآگاهانه کم درآمدها به حاشیه رانده شده‌اند و رشد و توسعه‌ای متعادل و فراگیر صورت نپذیرفته است. در واقع عدم تعادل میان تقاضا و تأمین مسکن در استطاعات به گسترش بازار غیررسمی زمین و مسکن در حاشیه شهرها انجامیده است.

References

- Abedin Darkosh . S, (2015), An Introduction to the Urban Economy. no 12. Universality publication. 234 p. [In Persian]
- Abot, J, (2000), An analysis of informal settlement upgrading and critique of existing methodological approaches. Habitat International, No. 27, pp: 303-315.
- Ashnaee, T, (2016), The Impacts of Urban Settlement Developments on Transforming Arable Land and Its Excellence in Approved Planning and And Zone Management, Tehran(2006) , Journal of New Attitudes in Human Geography, No.2, pp: 171-185. [In Persian]
- Athari , K,(2003), Assessing Sstructural and institutional causes of marginalization in Iran, Journal of social welfare university of welfare sciences, No.18 ,pp:83-99. [In Persian]
- Babageybi Azghandi, A, (2010), Futures research: A new approach to designing crime prevention programs, Journal of Politics of Tehran University, No.42, pp:105-128. . [In Persian]
- Barry, Michael & Rütther, H, (2005), Data collection techniques for informal settlement upgrades in Cape Town, South Africa. URISA Journal. No.17, pp: 43-52.

- Gevaert, C.M, Persello, C., Sliuzas,R., Vosselman, G, (2017), Informal settlement classification using point-cloud and image-based features from UAV data. ISPRS Journal of Photogrametry and Remote Sensing125; p.p:225-236.
- Gilbert, A, (1994), The Latin America city, Latin America Bureau ,London,Informal settlement.Vol 8.No.10.pp:77-105.
- Haji Yosefi, A, (2002), Urban marginalization and its process (before the islamic revolution), Journal of Haft shahr, No.33,pp:214-239 . [In Persian]
- Haji yousefi , A, (2002), Urban marginalization and its process (before the islamic revolution), Journal of Haft shahr, No.33,pp:214-239 . [In Persian]
- Heydariyan, Sh, Rahimi,M, Fatholahi,S,Ghafari, S,(2017), Analysis of resilience indicators of informal settlements against earthquakes with a social approach (Case study: Farrokhzad neighborhood of Tehran), Journal of New Attitudes in Human Geography, No.10 ,pp:245-260. [In Persian]
- Hosein Ebadi, S, Rustaei, Sh, Ghorvi Yapetg, M, (2014), Assessment of quality of life in informal settlements (case study: East Kal area of Sabzevar Eidgah): Journal of New Attitudes in Human Geography, No 6 , pp200-216. [In Persian]
- Kalhorniya, B, (2003), Proceedings of marginalization and informal settlement , Journal of social welfare university of welfare sciences, No. 39,pp:117-131. . [In Persian]
- Keshavarz Tork , E, (2016), Future planning in urban planning and management, journal ofTehran City Center for Studies and Planning, Report No.2 ,pp:181-197. . [In Persian]
- Kovacic, Zora and Giampietro, Mario, (2017), Between theory and quantification: An integrated analysis of metabolic patterns of informal urban settlements. Energy Policy. VOL10.
- Kuffer, M., Pfeffer, K., & Sliuzas, R, (2016), Slums from space - 15 years of slum mapping using remote sensing. Remote Sensing, Vol 8, No 6.
- Lahmian, R, (2017), Spatial planning of marginalized areas and the formation of informal settlement (Case study: Sari), Journal of New Attitudes in Human Geography, No.9 ,pp:125-138. [In Persian]
- Mafi , E ,Nghdi, A, (۱۳۰۱), Predicting land use and population growth of Farouj city to horizon 1400. First National Conference on Geography,Tehran , 22khordad.pp:16- 37. [In Persian]
- Mazandarani Zahedi, M, (1987), The Dynamics of Migration in the Contemporary World , Journal of Political and Economic Information, No.13,pp: 52-75. [In Persian]
- Moghimi, A, (۱۳۰۶), Knowledge of future research in theoretical approaches to urban planning, architecture and the construction industry, Journal of Urban Management Science and Research, No.39,pp:111-132. . [In Persian]
- Mohammadi,M.A ,Shams,M,(2017), An Analysis of Spatial-Physical Inequalities and Its Impact on Residents' Satisfaction (Case Study: Informal Settlements of Hamadan (Valiasr Alley), Journal of New Attitudes in Human Geography, No.10 ,pp:109-124. [In Persian]
- Naeimi , k and pour mohammdi, m.r (2016) , Identifying the key factors influencing the future status of urban slums regarding future study approach: the case study of Sanandaj, Journal of Urban Management,No. 52,pp:125-151. [In Persian]
- Naeimi , K, (2015), Predictability of Urban Housing Planning and Development with Emphasis on Informal Housing Case Study: Informal Housing in Sanandaj . MA in Urban planing , Tabriz.274pages. . [In Persian]
- Naserrodi , M ,Valinajad,P, (۱۳۰۵), Marginalization, foresight, and solutions, Case Study: City of Khawaf, International Conference on Architecture, Urban development, civil, art and environment; future horizons, looking back, Mashad , 15 Dey.pp:35-58. [In Persian]
- Rabani, T, (2012), Application of forward-thinking approach and strategic thinking in urban development planning. Case study: Baneh City . MA. Urbon management, Tehran university.234p. . [In Persian]

- Rabani, T, (2013), Futures Studies A New Approach to Planning, with Emphasis on Urban Planning. First national conference on Urban Development and Architecture in Time , Tehran, 7Bahman, pp:20-42. [In Persian]
- Rasouli, m., Zabihi, H and Nori s. A ,(2019), Dimensions and common indicators in promoting the quality of informal settlements and sustainable urban regeneration in Iran, quarterly of geography(regional planning), Vol 9, No 2, pp 767-792.
- Sarvar, R, (2009), Reverse migration , Journal of Geography, No.45,pp: 21-38. [In Persian]
- Sarvar, R, (2013), Foresight the process of developments and strategies for managing the growth of informal settlements in the capital, Journal of disciplinary geography, No.3,pp: 1-18. [In Persian]
- Sheybani Moghadam, F, Sarvar, R, Asadiyan, F,(2019), Assessing the success rate of plans for organizing and empowering informal settlements in Zahedan, Journal of New Attitudes in Human Geography, No.11 ,pp:203-216. [In Persian]
- Shortez, P, (2009), The art of foresight, planning for the future in a world of uncertainty, Translated by Alizadeh, A. Publication of the Future Center, Defense Science and Technology Research. Vol, 1.
- Tavakolini A ,J, (۲۰۱۲), An Introduction to Urban Governance: The Necessity and Implications and Challenges for Its Implementation in Iran , Journal of New Attitudes in Human Geography, No.1,pp: 135-152. [In Persian]
- Un- habitat, (2003), The Challenge of Slums; Global Report on Human Settlement 30- Roberts, P., Sykes, H. (2000).
- UN-Habitat, (2010), the challenge of slums: local report of human settlements , London, earth scam publication, No .5,pp:11-14.
- World Bank, (2003), Cities without Slums: Moving Slums: Moving Slum Upgrading to Scale”, <http://www.worldbank.org/urban/upgrading/docs/slums.pdf>.